

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۱۱/۰۲/۰۲

## خدا حافظ، مبارک!

وقتی قیام تونس، تظاهرات یمن و اردن و عمان، و انقلاب مصر را با دقت بررسی کنیم به این نتیجه می رسیم که هیچ امری اگر مردم را متوجه حق و حقوق و پریشانی های شان نسازد، استبداد، ظلم و بی عدالتی مستبدین و حکمرانان جبار بالاخره - به حکم تاریخ - مردم را متوجه وضعیت ناگوار و ظلمی که بر آن ها می رود، می سازد . بن علی در اثر بیداری و اعتراض توده های ملیونی به ستوه آمده بالاخره بار و بسترش را جمع کرد و شرش را از سر مردم کم نمود. مبارک هم باید برود. بعد از مبارک شاید نوبت بشارالاسد یا نوبت خامنه ای و کسانی مانند این ها باشد که با انتخابات تقلبی یا انتخابات فرمایشی سال ها به نام رئیس جمهور و رهبر و پیشوا و امام و ... بر اریکه قدرت تکیه زده اند و مانند زالوها خون مردمان کشور هایشان را می مکند.

بن علی باوجود همه کفته بینی های که همه مستبدین به آن ها دچار هستند، قطعاً نسبت به مبارک هوشیار تر بود. زیرا این اصل را درک نمود که ایستادن در برابر مردمی که مصمم اند مستبدی را از قدرت به زیر بکشند، مردمی که بیدار شده اند، مردمی که به ستوه آمده اند، مردمی که متوجه نیروی خود شده اند، مردمی که متوجه پامال شدن حقوق شان شده اند و بالاخره، مردمی که دست رد به سینه دیکتاتوران و مستبدین جبار زده اند، کار عاقلانه نیست. عاقلانه ترین کار برای دیکتاتوران شاید همین کار باشد که پیش از این که مردم خشمگین این ها را از تخت های گوهر نشان شان به زیر بکشند و کاخ های مجلل شان را آتش بزنند، خود شان صدای هوشدار دهنده زمان و مردم را بشنوند و رنگ های منحوس شان را گم کنند.

آخر کار دیکتاتوران - حتی اگر سی سال هم به زور و به تقلب حکومت کنند - شکست و رسوائی و شرمساری است. بن علی دیکتاتور متقلب و فاسد تونس بعد از بیست و سه سال سقوط کرد. مبارک، اینک بعد از سی سال حکومت، با قیام خشم آگینی که مردم علیه او به راه انداخته اند، با سقوط حتمی مواجه است . قرار گفته یکی از دوستان، مبارک هم در صدد آن بود که مانند حافظ الاسد، رئیس جمهور سابق سوریه، بعد از این که خودش توان کار را از دست بدهد یا بمیرد، پسرش را برای احراز کرسی ریاست جمهوری مصر معرفی کند.

وضع اقتصاد مصر با وجود کمک های سخاوتمندانه آمریکا به این کشور، چندان رضایت بخش نیست. تورم زیاد است. بیکاری یکی از معضلات بزرگ مردم را تشکیل می دهد. تقلب و فساد در دستگاه اداری کشور وجود دارد. مبارک با وجود وعده های مکرر کاری در جهت رفاه مردم انجام نداده است. زندگی مردم به جای این که رو به بهتر شدن باشد هر سال بدتر و بدتر می شود. خواسته های مردمی اصلاً و هیچگاه مورد توجه مبارک قرار نگرفته است. اکثریت مردم از مناسباتی که مصر با اسرائیل برقرار کرده راضی نیستند. و ... و کلاً مردم مصر از سال ها بدین سو از مبارک و نحوه حکومت و اداره و سیاست وی شکایت دارند. به همین دلیل مردم مصر در سال ۲۰۰۵ به تظاهرات شدیدی علیه مبارک دست زدند. ولی در آن سال قیام با خشونت سرکوب شد. این بار شاید قیام توده های ملیونی به آن سرنوشت شوم که در سال ۲۰۰۵ با آن مواجه شده بود؛ دچار نشود. من آرزو می کنم که مردم هر کجائی که هستند به آرزو های شان برسند؛ ولی اگر مردم مصر به چیزی کمتری نسبت به آنچه خواهان آن هستند دست یابند، یا قیام بی نتیجه بماند ( گرچه همین حالا هم قیام مردم دست آورد های بزرگی داشته است) حداقل با این قیام یا انقلاب چهار پیروزی بسیار بسیار با اهمیتی را به دست آورده اند.

**اول:** همبستگی فرامرزی مردمی. امروز تلویزیون ها از تظاهرات در چندین کشور جهان، از جمله در واشنگتن و لندن، به خصوص تظاهراتی که هزاران نفر تونس در برابر سفارت مصر به حمایت مردم مصر به راه انداختند، خبر داد. چنین امری نمایانگر این اصل و حقیقت است که توده ها در سطح گسترده و جهانی به این آگاهی رسیده اند که در برابر دشمن مشترک و واحدی قرار دارند و برای مبارزه با این دشمن واحد و مشترک (همه سیستم های فاسد، استبدادی، ضد مردمی، استعماری و استثمارگر) باید به حمایت و پشتیبانی یگدیگر برخیزند. این امر در شکستن کاخ ظلم و استبداد به هم گره خورده جهانی بسیار ضروری است. ایجاد چنین فضای بیدار کننده از کران تا کران جهان بزرگترین پیروزی برای توده ها در گستره جهانی است.

**دوم:** انقلاب تونس و به تعقیب آن انقلاب مصر، انقلاب هائی بودند و هستند که جهان را - هم توده ها را و هم سیاستمداران جهان را، دیکتاتور و غیر دیکتاتور را - تکان دادند و هر دو را متوجه این حقیقت ساختند که سیاستمداران نباید مردم را نادیده بگیرند و هرچه دلشان خواست بکنند. تشکیل کمیته مدیریت بحران در ترکیه ناشی از همین نگرانی یا ترس است!

**سوم:** امر یادگیری از یکدیگر. تکرر، تعدد، تنوع و تداوم این تظاهرات، اعتراض ها، قیام و انقلاب ها مؤید این حقیقت است که توده ها - از برکت اکتشافات جدید - در سطح جهانی از یک دیگر می آموزند و راه یک دیگر را دنبال می کنند. این امر باید هشداری باشد برای همه خدایان و نیمه خدایان زمینی در سرتاسر جهان.

**چهارم:** پیدایش روحیه خود باوری و اعتماد به نفس در مردم.

اما پیروزی هائی که مردم مصر در داخل کشور شان به دان ها دست یافتند، علاوه بر پیروزی های بالا، عبارت اند از:

- سقوط حکومت.

- ایجاد درز و مخالفت در ارتش، بر سر برخورد با مردم و حمایت از مبارک.

- پیوستن چندین هزار قاضی با تظاهر کنندگان.

- بسته شدن بانک ها و بازار های بورس به مقصد حمایت از مردم.

- کناره گیری یا تغییر چندین والی در چندین ایالت مصر.

- تعطیلی تعداد زیادی از دادگاه ها به پشتیبانی از مردم.

- تشکیل مجلس مخالف نظام از میان برخی از نمایندگان مجلس مصر.

- ناکامی مبارک در آرام ساختن مردم.

- پیوستن علماء و تجار و سیاستمداران با مردم.

- متوقف شدن قطار ها در تمام مصر.

- قطع شدن پرواز های بیشتر شرکت های هواپیمائی خارجی به مصر.

- تداوم این اعتراض ها، باوجود وضع قیود و حضور ارتش به جاده ها، که وارد هفتمین روز خود شد.

پریروز (۱۱/۰۱/۳۰) مبارک با سران ارتش در کاخ ریاست جمهوری دیدار کرد. در پایان نشست، مبارک تصمیم گرفت برای سرکوب اعتراضات و حرکت های چشمگیر مردم خشمگینی که در سرتاسر مصر به خیابان ها برآمده اند از ساعت ۱۵ دیروز به وقت مصر، قیودی را برای هشت روز وضع و اعلام نماید. ولی مردم که مصمم هستند تا رسیدن به خواسته های شان به این حرکت اعتراضی خویش ادامه بدهند، اعلام داشتند که تا سقوط مبارک به مبارزه خود ادامه می دهند و مرعوب این "بچه ترسانک" های مبارک نمی شوند. تظاهرکنندگان بدون هراس از این اقدامات مبارک اعلام داشتند که: ما راه خود را برگزیده ایم. مبارک باید برود. مبارک باید کناره بگیرد.

ارتش هم آن گونه که رسانه ها می نویسند "توسل به زور علیه مردم را رد کرده است." نتیجه ای که از این موضعگیری ارتش گرفته می شود این است که: **"خدا حافظ، مبارک!"**

اگر این انقلاب به پیروزی برسد، همانگونه که با پیروزی قیام مردم تونس مردمان کشور های یمن و اردن و عمان و آلبانی اعتراضاتی را علیه حکومت های شان به راه انداختند، یقیناً در قدم اول مردمان کشورهای لیبی و سوریه و ایران و سائر کشور های دیکتاتور زده نیز در برابر مستبدین این کشور ها به پا خواهند خاست و خواهان کناره گیری دیکتاتوران در کشور های شان خواهند شد.

خدایان زمینی سوریه و ایران و افغانستان و ... هم باید منتظر چنین روزی باشند. زمان، زمان بیداری مردم است. زمان، زمان سقوط و فرار زورگویان فاسد است.

بن علی رفت، ولی مردم به رفتن وی قانع نشدند. مردم می خواهند او را برای محاکمه به تونس برگردانند. مردم می خواهند که او پول هائی را که برده است به تونس برگرداند. (اگر چنین کاری عملی شود، یقیناً در آینده هیچ دیکتاتوری، هیچ حاکم فاسدی و هیچ سیاست مدار سودجوی و دزدی جرأت نخواهد کرد که دست به سوء استفاده دارائی های عامه بزند و ثروت های کلانی را از راه اختلاس و غبن سرمایه های ملی ببندوزد).

اکنون نوبت مبارک است. نوبت این ها هم خواهد رسد. امکان فریب بیشتر مردم دیگر وجود ندارد. مردم بالاخره بیدار شده اند و می توانند حق و حقوق خود و دیگران را تشخیص و تمیز بدهند. سلسله قیام ها دوام دارد. نوبت ما هم می رسد. زمامداران فاسد و غیر ملی و ضد مردمی ما هم - در هر موقفی که هستند - باید از این امر غافل نباشند. شاه ایران در، در به دری مرد. دوران صدام با همه جباریت و غرورش چنان که دیدیم به آخر رسید. روز های خوش بن علی هم، به قول ایورنیوز، به پایان رسید. مبارک هم می رود. انسان های هوشیار از این همه وقایع و اتفاقات درس می گیرند. این درس ها ولی تنها برای دیکتاتوران نیست، برای مردمانی که اسیر استبداد دیکتاتوران هستند و برای غیر دیکتاتوران ظاهراً دموکرات هم است. هشدار می است برای همه! هم برای دیکتاتوری که مردم را هنوز هم مانند گوسفندان رمه، آرام، بی خبر، بی آزار و بی خطر می پندارند و هم برای مردمانی که از حقوق پامال شده خود آگاهی ندارند و دیکتاتوران را شکست ناپذیر می دانند و از نیروی عظیم و لازوال خود بی خبر هستند.

در اخیر این نوشته یک نکته را می خواهم با تأکید یادآور شوم که مردم، در هر جایی که هستند، باید متوجه این مسأله باشند که بعد از چنین قیام ها قدرت به دست اشخاص ناباب نیفتد. به معنی دیگر مردم باید متوجه باشند که اگر از زیر باران می خیزند، به زیر ناوه نشینند.